

علی صغری فراسیون

حقوق بزبان ساده

ازدواج

در ادیان و مذاهب و حقوق مال مختلف بعللی ازدواج بین بعضی اقربای نسبی نزدیک را با یکدیگر منع کرده اند و منع یا تجویز نکاح با اقربا سوابق ممتد تاریخی دارد که از تاریخ ازدواج تالیف ادوارد سترمارک ترجمه و در همین مجله درج شده است و افراط و تفریط بحدی بوده که زمانی بعضی نکاح با مادر و خواهر و دختر را مجاز داشته و وقتی برخی حتی ازدواج بین کسانی را که دارای یک نام خانوادگی بوده اند منع میکردند.

در پیروی از حقوق اسلامی و قانون مدنی ایران (ماده ۱۰۴۵) نکاح با اقارب نسبی

ذیل حتی اگر قرابت حاصل از شبیه یا زنا باشد ممنوع است:

- ۱- نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود .
- ۲- نکاح با اولاد هر قدر که پائین برود .
- ۳- نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر مرتبه که پائین برود .
- ۴- نکاح عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات که همه این اشخاص رافقها محرمات نسبی مینامند .

علت اصلی منع وحدت خون است و هیچ فرق نمیکنند که خویشاوندی های مذکور ابوینی بوده یا ابی و یا امی تنها باشد و از شبهه یا زنا یا نکاح شرعی .

زنا رابطه جنسی زن و مردی است که بدون نکاح صحیح نزدیکی کرده و حین مبادرت بدانند که رابطه نامشروع است. ولی اگر ندانند مثلاً «خیال کنند که با تراضی باطنی آنها نکاح صحیح واقع میشود» و وقوع عقد صحیح را محتاج به چیزی که دلالت بر قصد و رضاکند ندانند و با جهل به لزوم تشریفات شرعی و قانونی ازدواج و نزدیکی کنند ، زنا نیست، شبهه است و فرزندى را که از زنا باشد ولد زنا و آنکه از شبهه باشد ولد شبهه میگویند.

در قرابت رضاعی یعنی ترابتی که در اثر خوردن يك شیر از پستان يك نفر باشد بهمان علت وحدت خون از حیث حرمت نکاح احکام قرابت نسبی جاری است (ماده ۱۰۴۶) مشروط باینکه شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد و مستقیماً از پستان مکیده شده باشد و اقلاً يك شبانه روز یا پانزده مرتبه متوالی بدون اینکه در فاصله غذا یا شیر دیگری را خورده باشد شیر بخورد و این شیر خوردن قبل از گذشتن دو سال تمام از تاریخ تولد طفل باشد و شیری که طفل خورده تماماً از يك زن و حاصل از يك شوهر باشد یعنی اگر مردی دوزن داشته باشد و هر دو زن طفل را شیر داده باشند موجب حرمت نمیشود و اگر يك پسر رضاعی و يك دختر رضاعی داشته باشد که هر يك از آنها را از شیر حاصل از شوهر دیگر شیر داده باشد آن پسر و دختر خواهر و برادر رضاعی نیستند و ازدواجشان از لحاظ رضاعی بلا مانع است.

حرمت ازدواج به قرابت نسبی محدود و منحصر نمیشود بلکه موارد و مواقع دیگری نیز در مقررات اسلام مانع نکاح میگردد .

قانون مدنی ضمن (ماده ۱۰۵۷) میگوید: زنیکه سه مرتبه متوالی زوجه یکنفر بوده و مطلقه شود بر آن مرد حرام میشود مگر اینکه بعقد دائم بزوجیت مرد دیگری درآمده و پس از وقوع نزدیکی با شوهر جدید، بوسیله طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد، یعنی وقتی که مرد با زنی با عقد دائم ازدواج کرد و بعد در اثر عدم توافق اخلاقی یا عدم تمکن مالی یا بعلت دیگری او را طلاق داد و پس از طلاق اعم از اینکه طلاق رجعی یا عدی یا بائن باشد و اعم از اینکه در مدت رجوع کرده باشد یا عدیه منقضی گردیده باشد دوباره با او ازدواج کرده و باز بدجهتی از جهات طلاق داد و بعد از طلاق دوم در زمان عدیه رجوع کرد یا با انقضای عدیه عقد یا رابطه زناشویی تکرار شد اگر دفعه سوم ترک رابطه و طلاق واقع شود آن زن برای آن مرد حرام میشود و ازدواج مجدداً آن ممنوع است و برای مجازات و تنبیه و احتراز از تکرار و تسلسل بعد از طلاق سوم در صورتی میتوانند ازدواج کنند که زن بعد از طلاق سوم با مرد دیگری با عقد دائم ازدواج کند و آن مرد جدید با وی نزدیکی و دخول نماید و بعد طلاق دهد، یا بعلت دیگری فراق حاصل شود شوهر سابق میتواند مجدداً او را بنکاح خود درآورد و این شوهر اخیر را محلل مینامند. یعنی این شوهر کسی است که وسیله حلّیت و مباحی او بشوهر اولی شده است. زیرا اگر ازدواج و نزدیکی و طلاق یا جدائی از او نبود شوهر اولی از ازدواج با این زن ممنوع بوده بنا بر مراتب بالا شرایط این مانع این است که اولاً زن دائمی یعنی باصطلاح عقدی باشد نه انقطاعی یا سیغهای زیرا منقطع طلاق ندارد و در صورتیکه از مدت باقی باشد با بذل مدت زوجیت مرتفع میشود و بعلاوه در موارد انقطاعی تکرار و تجدید موجب حرمت ازدواج میگردد. ثانیاً: اگر شوهر سه مرتبه طلاق نداده باشد و بوسیله قانونی دیگری غیر از طلاق منحل شده باشد انحلال مکرر موجب حرمت نخواهد شد. ثالثاً: باید شوهر بعد از طلاق اول و دوم رجوع کرده باشد یا آن زن را با عقد جدیدی ازدواج

کرده باشد یعنی اگر بعد از یکی دو طلاق بدون رجوع یا عقد مجدد مدتی با او معاشرت کند و بعداً متارکه شود این نحوه معاشرت از دواج شناخته نشده و اینگونه متارکه طلاق نامیده نمیشود، تا موجب حرمت و ممنوعیت گردد رابعا: این زن بعد از سه طلاق نمیتواند با همان شوهر خود ازدواج کند و با وحرام است مگر با چهار شرط: ۱- غیر از شوهر خود بمرد دیگری شوهر کند. ۲- ازدواج لاحق با عقد دائم باشد نه انقطاعی. ۳- پس از شوهر کردن شوهر جدید نزدیکی و دخول کند. ۴- پس از وقوع عقد و نزدیکی بواسطه یکی از علل انحلال نکاح میان زن و شوهر دومی فراق و جدائی واقع شود تا شوهر قبلی بتواند مجدداً باری ازدواج کند و اگر اینگونه طلاق سه مرتبه تکرار گردد که مجوعاً نه طلاق شود موجب حرمت ابدی خواهد شد.

یکی از موجبات حرمت ابد هم افضاء است که اگر کسی با دختری که به سن نه سالگی نرسیده (سن قانونی ۱۳ سال است) ازدواج کند و نزدیکی با وی منجر با افضاء گردد یعنی قبل و دبر یا با اصطلاح پس و پیش یکی شود چنین دختری در حین افضاء برای شوهر حرام ابدی میشود و در صورت طلاق هم نمیتواند با او ازدواج مجدد نماید بعلاوه مادام که چنین زنی شوهر اختیار نکند کلیه نفقه و کسوه او بعهدہ مردی است که او را افضاء کرده ولی نفقه بعد از ازدواج او مورد اختلاف است که آیا بعهدہ شوهر اولی یا دومی است؟!.

از نظر جزائی هم بعلت عدم رعایت سن قانونی و قابلیت صحی شوهر قابل تعقیب و مستحق مجازات خواهد بود.

در ممنوعیت نکاح بین اقارب نسبی و رضاعی و مصاهره موارد و شرائط و مقررات

دیگری هم هست که در این مختصر نمی گنجد ...